

گزارش تاریخی

یادگاری آدولف هیتلر  
برای رضاشاه!



عکس هیتلر اقامتای خودش که به رضاشاه اهدا شد

«تاج الملوک آیرملو»، همسر رضاشاه و مادر محمدرضاپهلوی، در خاطرات خود، به دیدارش با «آدولف هیتلر» اشاره می‌کند و در این باره می‌گوید: «هیتلر از رضا خیلی تعریف کرد و گفت زندگی او را می‌داند و او را در کم می‌کند و از این که یک نظامی قدرت را در ایران به دست دارد، خوشحال است. رضا از این قسمت خیلی خوشش می‌آمد و من هر وقت به این قسمت از ملاقات خودم با هیتلر می‌رسیدم، باید آن را چند بار برای رضا تکرار می‌کردم.» ارتباط پهلوی با آلمان نازی، در اواخر دوران رضاشاه، گسترش یافت. صدها کارشناس و مهندس آلمانی وارد ایران شدند و به فعالیت در عرصه‌های مختلف عمرانی پرداختند. باور شاه، به ویژه پس از آغاز جنگ جهانی دوم، این بود که دوران انگلیسی‌ها به سرآمده‌است و از این بعد، آلمانی‌ها جای آن‌ها را خواهند گرفت. به همین دلیل، در آبان‌ماه سال ۱۳۱۸ هـ. ش، «احمد متین‌دفتری»، حقوق‌دان جوانی که در مدرسه آلمانی‌ها در تهران، تحصیل کرده بود و با آن‌ها رابطه حسنه داشت، از سوی رضاشاه مأمور تشکیل کابینه شد. مأموریت «متین‌دفتری»، گسترش روابط ایران و آلمان بود. دیدار همسر و دختران پهلوی اول با هیتلر نیز، در همین دوره اتفاق افتاد. «تاج‌الملوک آیرملو» در خاطراتش می‌افزاید: «ما برای هیتلر چند هدیه برده بودیم که عبارت بود از دو قطعه قالی نفیس ایرانی و مقداری پسته رفسنجان. هیتلر خیلی از نقش قالی‌هاو بافت و رنگ آن‌ها خوشش آمد. روی یک‌قالی که در تبریز بافته شده بود، عکس خود هیتلر بود. هیتلر هم متقابلا سه قطعه عکس خود را امضا کرد و به من و دخترانم داد. دیپلماج(مترجم) سفارت [ایران] در برلین] گفت: آقای هیتلر می‌گویند متأسفانه پیوشوای آلمان، مثل شاه ایران ثروتمند نیست و نمی‌تواند متقابلا هدیه گران قیمت به ما بدهد و از این بابت معذرت می‌خواهند!»

■ **تاوان سنگین دوستی با آدولف**

شیفتگی رضاشاه به هیتلر، روی فرزندان او نیز تأثیر گذاشته بود. حسین فردوست، دوست‌وندیم شاه، در خاطراتش به نقشه‌هایی اشاره می‌کند که محمدرضا پهلوی در اتاق شخصی‌اش قرار داده بود و با استفاده از سوزن و نخ، مسیر پیشروی آلمانی‌ها را در اروپا مشخص می‌کرد. فردوست تأکید می‌کند که رضاشاه نیز موافق رفتار پسرش بود و گاه‌تحت تأثیر سخنان هیجان‌انگیز او در باره آلمانی‌ها قرار می‌گرفت! با این حال، محاسبات پهلوی اول در ست از آب در نیامد. انگلیسی‌ها با توپ‌پُر وارد میدان شدند. کابینه «احمد متین‌دفتری» در تیرماه ۱۳۱۹ ه.ش سقوط کرد و «علی‌منصور» که به دوستی با انگلیس معروف بود، جای او را گرفت. کارشناسان آلمانی از ایران اخراج شدند. رضاشاه با تمام خواسته‌های انگلیسی‌ها موافقت کرد، اما دیگر برای او دیر شده بود. برای قزاق پیر که به نوشته «ریچارد استوارت» در کتاب «آخرین روزهای رضاشاه»، مردم از رفتش خوشحال می‌شدند، شیفتگی به هیتلر بسیار گران تمام شد.

فاب تاریخ



# دیوار چین یا باشگاه مردگان؟!

روایتی از چگونگی دفن یک میلیون انسان در طولانی‌ترین سازه جهان



**جواد نوائیان رودسری** – باورش سخت است که یکی از باشکوه‌ترین سازه‌های ساخته‌دست بشر، بزرگ‌ترین گورستان دنیا باشد! دیوار چین، یکی از عجایب هفت‌گانه دنیاست که دست بر قضا، چینی‌ها آن را نماد صلح‌دوستی و جنگ‌گریزی خود می‌دانند. دیواری با حدود ۲۳۰۰ سال قدمت که هر بیننده‌ای را به تعجب و ا می‌دارد؛ این شگفتی‌هنگامی مضاعف می‌شود که بدانید، طول این دیوار، حدود ۲۱ هزار و ۱۹۶ کیلومتر است و در تمام این مسیر، بین ۸ تا ۱۴ متر ارتفاع دارد و عرض آن از ۴ تا ۵ متر متغیر است. تمام این‌ها برای این که دیوار چین را بزرگ‌ترین سازه ساخته دست بشر بدانیم، کافی است؛ سازه‌ای که به دلیل نقدستمرگی‌ها و جاه‌طلبی‌های «چین‌شی‌هوا»، به شدت سرکوب و تعداد زیادی از هزار نفر از انسان‌هایی که در ساخت این بنای بزرگ مشارکت داشتند، در پای آن جان دادند و پیکرشان، در جرز دیوارها قرار گرفت تا بر استحکام بنا افزوده شود؛ یک میلیون انسان بی‌گناه، در استحکام این بنا نقشی‌ورای کارگری و بنایی ایفا کرده‌اند؛ آن‌ها هنوز هم بخشی از بدنه بنا و مصالح آن محسوب می‌شوند. در این نوشتار برآنیم تا به چرایی احداث دیوار چین و چگونگی ساخت آن، البته به صورت مختصر، بپردازیم.

■ **دیوار یا دیوارها؟**

بر خلاف تصور عمومی، دیوار چین در یک دوره ساخته‌نشد. برخی از باستان‌شناسان معتقدند که سر آغاز ساخت دیوار، قرن هشتم قبل از میلاد بوده است؛ هنگامی که دودمان‌های محلی شمال چین، برای مصون ماندن از هجوم قبايل «شیونگ‌نو» تصمیم گرفتند در مناطق آسیب‌پذیر مرزی، دیوار بکشند. شیونگ‌نوها، شامل ۲۴ قبیله از نژادهای مختلف بودند که احتمالاً تعدادی از آن‌ها ریشه آریایی داشتند

و یا «سکاها»، هم‌نژاد بودند. به هر حال، رسم ساخت دیوار، طی چند قرن در شمال چین رواج یافت. این دیوارها که اتصالی به یکدیگر نداشتند، به دلیل طول کم، قابلیت دفاع مرزی را بالا می‌بردند و کنترل آن‌ها راحت بود. تا این که در سال ۲۲۱ قبل از میلاد، «چین‌شی‌هوا»، توانست تمام چین را متحد کند و به عنوان نخستین امپراتور این سرزمین، بر اریکه قدرت تکیه زند. «چین‌شی‌هوا»، مردی بلندپرواز و البته، بسیار سفاک بود. او هر صدای مخالفی علیه خود را با شدیدترین شکل ممکن سرکوب می‌کرد. حتی پیروان کنفوسیوس، حکیم مشهور چین باستان که عمدتاً به موعظه‌های اخلاقی اشتغال داشتند، به دلیل نقدستمرگی‌ها و جاه‌طلبی‌های «چین‌شی‌هوا»، به شدت سرکوب و تعداد زیادی از آن‌ها زنده به گور شدند. یکی از تصمیمات جاه‌طلبانه و بلندپروازانه «چین‌شی‌هوا»، اتصال دیوارهای ساخته‌شده در شمال چین و ایجاد یک خط مرزی مستحکم، به بهانه جلوگیری از هجوم اقوام مهاجم شمال بود.

■ **روایت یک جاه‌طلبی‌بزرگ**

اودستور داداز سراسر چین، دهقانان روستایی و حتی افرادی را که به عنوان مجرم محکوم شده بودند، به مرزهای شمالی بفرستند تا برای امپراتور بیگاری کنند و دیوار بزرگ را بسازند. به این ترتیب، صدها هزار نفر، برای تکمیل دیوار به کار گرفته شدند. این افراد، زیر فشار سربازان و به دور از خانه و کاشانه، با ناامیدی بسیار از دیدار دیوار زن و فرزند، کار می‌کردند. عوارض عجیب و غریب مسیر احداث دیوار، مانند تپه‌های بلند و دره‌های باتلاقی، کار ساخت و ساز را بسیار دشوار می‌کرد، اما کارگران محکوم بودند که بسازند و کار را تمام کنند. بسیاری از آن‌ها در مدت بیگاری، بر اثر گرسنگی و خستگی ناشی از کار،

و یا سکاها، هم‌نژاد بودند. به هر حال، رسم ساخت دیوار، طی چند قرن در شمال چین شورش آن‌ها شود، دستور می‌داد پیکر مردگان را داخل جرز دیوار بگذارند و اطرافش را با آجر و ملاط پر کنند. «چین‌شی‌هوا» در صدد بود که با احداث کانالی بزرگ، شمال و جنوب چین را به هم وصل کند که اجل مهلتش نداد و با مرگ او، ملتی آسوده شدند! «چین‌شی‌هوا» به دلیل خوردن معجون پودریشم و جیوه مرد؛ او فکر می‌کرد این معجون باعث جاودانگی‌اش خواهد شد! او را با هفت هزار سرباز سفالی دفن کردند که در آن دنیا احساس تنهایی نکند!

■ **افسانه‌هایی با چاشنی حقیقت**

وحشی‌گری‌های «چین‌شی‌هوا»، برای دودمان‌ها و امپراتوران بعدی چین هم، سرمشق شد و آن‌ها نیز، همان راهی را رفتند که نخستین امپراتور طی کرد. برآوردهای تاریخی از دفن یک میلیون انسان در این سازه خبر می‌دهد. دیوار چین، برای مردم این سرزمین، کابوسی تمام‌ناشدنی بود؛ آن‌گونه که در اطراف آن، صدها افسانه دهشتناک شکل گرفت و در فرهنگ چینی باقی ماند. در یکی از این افسانه‌ها، زنی روستایی به نام «منگ چین‌نو» که شوهرش را سال‌ها ندیده و بعد فهمیده بود که او را در جرز دیوار بزرگ مدفون کرده‌اند، در کنار دیوار محل دفن همسرش نشست و آن قدر گریست که دیوار فرو ریخت و استخوان‌های شوهرش نمایان شد و «منگ» توانست آن‌ها را بخود برود و در روستای زادگاهش دفن کند. افسانه‌ای دیگر در میان ساکنان شمال چین نقل می‌شود که بر مبنای آن، ملاط دیوار را از پودر استخوان‌های انسان ساخته‌اند؛ در حالی که می‌دانیم که ساختن این ملاط از آرد برنج استفاده شده است. رواج این افسانه‌های خوفناک در میان چینی‌ها، روایتی ناگفته از ددمنشی حاکمان

سرزمین چین، برای دستیابی به امپال و جاه طلبی‌هایشان محسوب می‌شود؛ حکایت در ده‌های فروخته یک ملت برای ساخت بزرگ‌ترین سازه‌ساخته بشر که امروزه تحسین جهانیان را بر می‌انگیزد و آن را یکی از عجایب هفت‌گانه جهان می‌شمرند.

■ **عاقبت دیوار**

تکمیل و اصلاح دیوار چین، پس از «چین‌شی‌هوا» ادامه یافت و تا سال ۱۶۴۴ میلادی که دودمان «مینگ» بر افتاد، همچنان تداوم یافت. با این حال، این دیوار هیچ‌گاه مقصود مد نظر امپراتوران جاه‌طلب چینی را برآورده نکرد. سدّ شمالی، با دیواری به قطر چهار تا پنج متر، بارها شکست و برای چینی‌ها فاجعه آفرید. چنگیزخان مغول، معروف‌ترین در هم‌شکننده رؤیای «چین‌شی‌هوا» محسوب می‌شود. هنگامی که در سال ۱۲۱۵ میلادی، بهاءالدین رازی، نماینده دولت خوارزمشاهی، در رأس هیئتی وارد پکن شد، قبل از ورود به شهر، کوهی از استخوان‌های زنان چینی را دید که برای فرار از مغولان، خود را از دیوارهای شهر به زیر افکنده بودند. این هیئت، گزارش‌هایی از وجود کوه‌های استخوان و ججمه از خود باقی گذاشته است که نشان می‌دهد دیوار چین، نتوانست کار تدافعی خود را به خوبی انجام دهد. آخرین بار، در سال ۱۹۳۱، ژاپنی‌ها که منچوری را در اشغال داشتند، برای ورود به سرزمین اصلی چین، دیوار کهن سال آن را شکافتند. بعدها، دولت چین کمونیست، از این دیوار به عنوان نماد استبداد یاد کرد و حتی از روستاییان خواست که از مصالح آن برای ساخت خانه استفاده کنند؛ اما وقتی دریافت که می‌شود با بهره‌گیری از صنعت گردشگری، پول خوبی به جیب زد، بی‌خیال ویران کردن دیوار شد و حتی به ترمیم و اصلاح آن هم پرداخت!



و خب دفعه آخر هم به آن صورت [رفت]. اولین بار بعد از سوم شهریور... و دومین بار، نهم اسفند بود. ۲۵ مرداد که داشت می‌رفت و رفت اصلاً. گذاشت رفت و اگر حالا حساب‌های خودش غلط در آمد، آن بحث دیگری است. سومین بار در پانزده خرداد [بود]؛ [سال] ۱۳۴۲، اگر علم نبود آماده رفتن بود. در اردیبهشت ۱۳۵۷، بعد از جریان تبریز، باز آماده ترک ایران بود. بالاخره هم که رفت، مثل این که نقطه مقابل شاه بود [آیت‌...]. خمینی و مسلمان پیروزی‌اش حتمی بود دیگر، برای این که یک طرف آماده فرار است و تسلیم، یک طرف می‌خواهد موفق بشود و شد.»



**آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)**

شهرداری طبقیه در نظر دارد به استناد بودجه مصوب سال ۱۳۹۸ نسبت به اجرای عملیات خرید، حمل و نصب دیوار بتنی پیش ساخته، از طریق مناقصه عمومی با مشخصات ذیل اقدام نماید:
۱- مبلغ برآورد اولیه قرارداد ۱۱/۸۰۰/۰۰۰ ریال
۲- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۳- مدت اجرای کار چهار ماه
۴- آخرین مهلت تسلیم پیشنهادات پایان وقت اداری روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۹ - جلسه بازگشایی پاکات پیشنهادی ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه ۱۳۹۸/۰۸/۱۱ می باشد.
۸- کلیه متقاضیان می بایست با در دست داشتن رزومه کاری و مدارک ثبتی شرکت (آگهی تأسیس، آگهی آخرین تغییرات و...) به امور قراردادهای شهرداری مراجعه و پس از اخذ و تکمیل فرمهای ارزشیابی و تأیید صلاحیت، جهت دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
۹- نشانی محل دریافت اسناد مناقصه: طبقیه- بلوار معلم- ساختمان شهرداری- واحد امور قراردادهای همچنین متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن ۳۴۲۲۵۸۴۳ امور قراردادهای تماس حاصل نمایند.

**روابط عمومی شهرداری طبقیه**

اسناد تاریخی

خائنان به مشروطه

به روایت شیخ عبدا... مازندرانی



با وجود حمایت‌های مرحوم آخوندخراسانی از نهضت مشروطه و نقش موثری که در این‌پیروزی بزرگ‌بر عهده‌داشت، وقتی مشروطه‌خواهان غربگرا بر اریکه قدرت تکیه

زدند، دیدگاه‌های فقهی آن مرحوم و علمای همراه وی، همچون مرحوم شیخ عبدا... مازندرانی را، محترمانه، نادیده گرفتند. با پایان یافتن دوره استبداد صغیر و وقوع حوادث غم‌انگیزی مانند دستگیری و شهادت غریبانه شیخ فضل‌ا... نوری، مرحوم آخوندخراسانی دریافت که جنبش مشروطه، در مسیری غیر از آن‌چه باید، قرار گرفته است. به همین دلیل تلاش کرد، ضمن تأکید بر مبانی دینی مشروطیت، از بروز انحراف در آن جلوگیری کند. انتخاب و معرفی برخی علمای بنام برای حضور در مجلس، مانند مرحوم مدرس، در همین زمینه انجام گرفت. این موضوع در مناظره مشهوری با میرزای نائینی انعکاس یافت و غربگرایان دریافتند که حضور آخوندخراسانی در متن مشروطه، از این به بعد، برای آنان گران تمام خواهدشد. به همین دلیل، توطئه‌های مختلفی را برای سر به زدن به شخصیت او تدارک دیدند و در سایه بی‌خبری مردم، این عالم بزرگوار مورد حمله همه‌جانبه دشمنان دین و ملت قرار گرفت و حتی عناصر خودفروخته و معلوم الحالی نظیر بهائیان، به خود اجازه دادند تا نقشه قتل او را طراحی کنند. مرحوم شیخ عبدا... مازندرانی در نامه‌ای غم‌انگیز به یکی از تجار مشروطه‌خواه‌تبریز، به تشریح این واقعیت تلخ تاریخی می‌پردازد. وی در این نامه که متن آن در مقاله «جستارهایی از تاریخ بهائیگری در ایران»، نوشته عبدا... شهبازی «آورده شده است، می‌نویسد: «چون مانع از پیشرفت مقاصدشان را، فی الحقیقه به ما دوفتر، یعنی... آقای آیتا... خراسانی، دام‌طله، و حقیر مناصر می‌دانستند... لهذا از انجمن سری مذکور که [در] مرکز و همه بلاد شعبه دارد.... رای در آمده (تصمیم گرفته‌اند) که نفوذ ما دوفتر تا حالا که استبداد در مقابل بود، نافع و از این به بعد مضر است و باید در سلب این نفوذ بکوشند... کابیتی به غیر اسباب عادی به دست آمده که بر جانمان هم خائف و چه ابتلا ما داریم.... این همه زحمت را برای چه کشیدیم و این همه نفوس و اموال، برای چه فدا کردیم و آخر کار به چه نتیجه ضد مقصودی به واسطه همین چند نفر خیانت‌کار دشمن گرفتار شدیم؟ چندی بعد، مرحوم آخوند خراسانی که برای همراهی و همگامی با مردم در جهاد علیه اشغالگران بیگانه و سامان دادن به امور مشروطیت، راهی ایران شده بود، به طرز مشکوکی، در سحرگاه ۲۰ آذر سال ۱۲۹۰ شمسی، بدرود حیات گفت، درگذشتی که هیچ‌گاه دلیل واقعی آن بر ما نلشد.

مکتوبات تاریخی

بررسی چرایی سقوط مشروطه  
در قاب یک کتاب



بی‌تردید دکتر حسین آبدیان را باید یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران تاریخ معاصر ایران و به ویژه، عصر مشروطه و دهه پس از آن بدانیم. اثر وی، با عنوان «بحران مشروطیت در ایران»، که امروز قصد معرفی آن را داریم، از جمله آثاری است که ریشه‌های شکل‌گیری جنبش مشروطه و دلایل ایجاد انحراف در آن را بررسی کرده است. نویسنده اثر در این کتاب، به روشنی به این سوال پاسخ می‌دهد که چرا انگلیسی‌ها به دفاع صوری از جنبش مشروطه پرداختند و مواضع محافظ و احزاب سیاسی آن کشور، در برابر تحولات ایران چه مبنایی داشت؟ از سوی دیگر، تلاش شرکت‌های بزرگ سرمایه‌سالار برای راهیابی به بازارهای ایران و همچنین، تبیین و همسویی منافع آنان با مواضع برخی جریان‌ت سیاسی، در این کتاب توضیح داده شده است. این کتاب، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، منتشر کرده است.